

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره چهاردهم ، شماره پنجاه و سوم ، پاییز ۱۴۰۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۲۱

صفحات: ۲۰-۳۶

## بررسی فقهی و حقوقی نقش توبه در سقوط مجازات سرقت در صورت اقرار سارق

نویسنده:

سیروس مرادپور<sup>۱</sup> \*

### چکیده

توبه یکی از مهمترین عوامل بازگشت بسوی خداوند می باشد که علاوه بر اثنا اخروی در مواردی موجب سقوط مجازات ها می شود از موضوعات مهم و مشترک میان علوم قرآنی و حقوق اسلامی است و هر کدام نگاه اسلامی و سعادت‌مندی برای بشر، براساس آن بنا نهاده شده است. در فقه جزایی اسلام توبه، یکی از عوامل سقوط، عفو و تخفیف مجازات‌های حدی به جزء حد قذف می باشد انسان براساس اصل آزادی اراده، مسئول کارهایی است که انجام می دهد مقاله حاضر به روش تحقیق توصیفی- تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای، به موضوع پرداخته است. یافته ها حاکی از رویکرد نوین قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در اقدام بدیهی این مفهوم ارزشمند را بصورت هدفمند وارد نظام کیفری ایران نموده و نظریه های فقهی و شریعت، نقش عملی توبه در اصلاح، بازپروری و رشد معنوی انسان مجرم، بیشتر نمایان می سازد همچنین بررسی فقهی و حقوقی نقش توبه در سقوط مجازات سرقت در صورت اقرار سارق در نظام کیفری با پیشنهاد توبه به عنوان یکی از عوامل سقوط مجازات های حدی کمک شایانی در شناساندن هدف نظام کیفری نموده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

کلید واژه ها : توبه، سرقت، نظام کیفری، سقوط مجازات

## ۱- مقدمه

اساس توبه یک دستور موکد قرآن و سنت است و در آیات و روایات متعددی از آن بحث شده و انسان به آن تشویق و ترغیب و سقوط کیفر به صراحت مطرح است. انسان بر اساس اصول آزادی اراده که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز ذکر شده است مسئول کارهایی می باشد که انجام می دهد و بر اساس آن کارها ماخذ می شود. به این دلیل در اسلام برای کارهای خلاف شرع، مجازات تعیین شده و برای بسیاری از جرایم، حد مشخص شده است. اما در این بین، عوامل و عللی کشف می شود که از انسان حد و یا مجازات را برمی دارد و او را مورد عفو قرار می دهد مانند توبه با دقت در آیات، روایات و سخنان فقها در کتب فقهی، معلوم می شود که توبه یکی از عوامل سقوط مجازات شمرده می شود. به طوری که نقش توبه در رفع مجازات در جرائم حق الله، مورد پذیرش فقهای اسلام قرار گرفته است. با تصویب قانون مجازات اسلامی از طرف قانونگذار طرح مبحث توبه، یک مبحث جدیدی است هر چند که در قوانین سابق اشاره نداشته اما در قانون فعلی کوتاهی مقنن قانونگذار به نوعی از تأسیس موصوف استفاده بیشتری نموده و لحاظ آن را از مصادیق توبه تلقی نموده است. به نحوی که در موادی از قانون مذکور به کاربرد این موضوع و تأسیس جدید پرداخته و مقررات و تشریفات تأسیس مذکور در موارد به طور کامل آمده و موارد و مصادیقی که با توبه دعوا ساقط می شود و نیز استثنائاتی که در آن بحث مطرح شده است. همچنین در مواردی مثل قصاص و دیه که با توبه ساقط نمی شوند همچنین حدود کذب و نیز محاربه که فقط قبل از دستگیری باعث سقوط مجازات است بحث شده است. توبه قبل از اثبات جرم موجب سقوط مجازات می شود اما بعد از اثبات جرم فقط در صورت ثبوت جرم توسط اقرار، دادگاه میتواند عفو مجرم را توسط ریاست محترم قوه قضاییه از مقام رهبری درخواست کند (گلریز، ۹۳۱۱ش) توبه پس از انقلاب اسلامی در قوانین کیفری ایران وارد شد در حالیکه این تأسیس قانونگذار به عنوان عامل سقوط مجازات در قوانین کیفری پیش از انقلاب در نظر گرفته نشده بود. بعد از پیروزی انقلاب اولین بار قانون حدود و قصاص مصوب سال ۹۲ به این موضوع پرداخت. قانون مذکور با تکیه به قول مشهور فقها مبنی بر سقوط مجازات مجرم در صورت توبه پیش از اثبات جرم به وسیله شهود و نیز اختیار قاضی در عفو یا اجرای حد در صورت اثبات جرم به وسیله اقرار، با وجود اعمال این قانون در شرب خمر، زنا و لواط و تفخیز و مساحقه از بیان آن در مجازات قوادی غفلت کرده بود. (حاجی آبادی، ۹۳۱۱ش)

## ۲- درباره پیشینه پژوهش و ضرورت نوآوری

توبه عملی بین انسان و خداوند با توجه به نوع گناه می باشد و این امر باعث از بین رفتن حقی از دیگران یا ثبوت حدی از حدود الهی نمی شود از جمله نوآوری های قانون گذار در نقش توبه می توان گفت توبه صرفا موجب سقوط مجازاتهایی است که جنبه حق الهی محض دارند و در جرایم حق الناسی فاقد اثر می باشد نوآوری قانونگذار در تفکیک جرایم به اعتبار درجات و ضعف مجازات و پذیرش تاثیر توبه می باشد باید گفت در برخی موارد تحقیقی که به بررسی مقایسه‌های و کامل فقه و حقوق کیفری درباب توبه با رویکرد این تحقیق پرداخته باشد کمتر صورت گرفته است، اما پژوهش هایی در ارتباط با مبانی نظری این تحقیق انجام پذیرفته که عبارتند از (صادقی، محمد هادی، مقاله نقش توبه در حدود و تعزیرات، پژوهشنامه حقوق کیفری، ش ۹۳۱، ص ۹۳۱) - (محمد تقی مصباح یزدی، توبه، جایگاه تحقق و فرایند آن، معرفت ۱۳۸۸، شماره ۱۴۱) - (صدیقی طیبیه، آثار توبه و نقش آن در اجراء و اسقاط مجازات اسلامی، پایان نامه ارشد، ۱۳۹۳) - (طاهری، محمدعلی و امینی، جهاندار، توبه مجرم در فقه مقارن و حقوق جزا، مطالعات تقریب مذاهب اسلامی، سال نهم، ش ۲۳۲)

## ۳- توبه در شریعت و فقه اسلامی

توبه در لغت به معنای رجوع مقید یعنی بازگشت از گناه می باشد (ابن منظور، ۹۱) و در اصطلاح عبارت است که سخن معصوم دلالت بر معنای اصطلاحی توبه دارد (طاهری، ۹۳۸۱ش، ص ۳) توبه در شریعت و فقه اسلامی جایگاه خاصی دارد. خداوند در قرآن کریم علاوه بر تشویق مرتکبین گناه به توبه، آن را برای جبران گذشته از سوی خود اعلام نموده است (فرقان، آیه ۳۷) عسی ربکم ان یکفر یا ایهاالذین آمنو توبوا الی الله توبه نصوحا عنکم سیاتکم و یدخلکم جنات تجری من تحتها الانهار...» (تحریم، آیه ۸) البته توبه به معنای صرف پشیمانی و بازگشت از گناه نیست؛ بلکه این پشیمانی در صورتی معتبر می باشد و توبه به حساب می آید که همراه با اصلاح گذشته باشد؛ چنانچه در قرآن کریم آمده است: « فمن تاب من بعد ظلمه و اصلاح فان الله یتوب علیه(مائده، ۳۱) (حاجی ده آبادی، ۹۳۱ش) در روایات، توبه به عنوان والاترین مهارت معرفی شده است « (حرعاملی، ۹۱۷۱ق، ص ۸) امام علی توبه را چنین معنا می کند: التوبه ندم بالقلب و استغفار باللسان و ترک بالجوارح و اضرار آن الیعود. توبه از چهار چیز تشکیل می شود: اول: پشیمان شدن قلبی، دوم: آن پشیمانی در قالب استغفار به زبان جاری گردد؛ سوم: در کنار آن دو، ترک معاصی و رها کردن فسادهای گذشته تحقق یابد. چهارم: تصمیم بر این که در آینده نیز آن گناهان و فسادها تکرار نگردد به هر حال پشیمانی از گذشته و تصمیم بر ترک کردار زشت در آینده و ابراز این حالت

با ذکر استغفار، بدنه اصلی توبه را تشکیل می‌دهند (طاهری، ۹۳۸۹ش، ص ۹۹۱) علمای اخلاق مقصود از توبه را بازگشت به خدا با خالی ساختن دل از معصیت و رجوع از دوری درگاه الهی به قرب و نزدیکی بیان کرده اند (نراقی، ۹۱۷۱ق، ص ۳۸)

۲-۱ - توبه در حقوق و قانون مجازات اسلامی در بررسی قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، همگام با تحولات دیگر قوانین، در موضوع توبه هم، تحولاتی رخ داد. دیه، قصاص، ... با توبه ساقط نمی‌گردد. «پیش بینی نهاد توبه به عنوان یکی از عوامل سقوط مجازات در بخش کلیات، یکی از دستاوردهای قانون مجازات جدید است که به واسطه حدوث آن، به رغم وقوع جرم و تحقق مسئولیت کیفری و انتساب بزه به مرتکب، موجبات معافیت از مجازات فراهم شده و جهت تطبیق بهتر قانون با واقعیت‌های اجتماعی و بسترسازی اصلاح مجرمین فرصتی برای نظام قضایی فراهم می‌شود (شمس ناتری، ۹۳۱۳ش، ص ۱۳۳) قاعده‌های که قانون از ارکان آن بهره برده است. در اصطلاح مشهور فقها به قاعده سقوط حد با توبه قبل از اثبات معروف است (گلریز، ۹۳۱۱ش، ص ۹۸۷). مستند فقهی را می‌توان به روایت مرسله جمیل بن دراج و مرسل ابن نصیر و صحیحه عبدالله بن سنان و نیز روایات موجود در فضیلت توبه دانست (عاملی، بی تا، ۳۳) چنان که تردید و شک حاصل شود در توبه و یا عدم آن، به زعم فقهای که قاعده سقوط حد با توبه را پذیرفته اند. باید اذعان داشت «... اصل عدم، ثابت نبودن حد را اقتضاء می‌کند نه بقا استصحاب (موسوی بجنوردی، ش ۹۱، ص ۹۳۱) قانونگذار در قانون مجازات اسلامی بر پذیرش قول مشهور فقها در ارتباط با سقوط یا اختیار امام در ساقط نمودن مجازاتهای حدی با تحقق توبه مجرم، این موضوع را تحت ضابطه و قاعده‌های کلی مطرح نمود که قابل اعمال بر تمامی مجازاتهای حدی است. به علاوه این قانون امکان سقوط یا تخفیف مجازاتهای تعزیری با تحقق توبه را نیز به عنوان قاعده کلی پذیرفته است (حاجی ده آبادی، ص ۹۹)

#### ۴- نقش توبه در سقوط مجازات براساس فقه و قانون مجازات اسلامی

##### ۴-۱- مجازاتهای حدی

حد در لغت به معنی دفع، باز داشتن از کاری، جدا کردن چیزی از چیزی، مایل میان دو چیز، نهایت هر چیزی، حکم شرعی، مرز و غیره و جمع آن حدود می‌باشد. حد در اصطلاح فقها چنین تعریف شده است: و مالیس کذلک کل ماله عقوبه مقدره یسمی حدا؛ یسمی تعزیرا هر جرمی که دارای مجازات مشخص باشد حد نام دارد و هر آنچه غیر از این باشد تعزیر است (حلی، ۹۱۷ق، ص ۱۳۱) حدود جمع حد است. حد گناهان و جرائم مهمی که شارع اسلام برای آنها جزا کیفر در نظر گرفته است عبارتند از: زنا، قوادی، قذف، نوشیدن مسکرات، سرقت، محاربه، ارتداد. قانون

مجازات اسلامی مقرر می دارد حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است در یک تقسیم بندی حقوق را به دو قسم می توان تقسیم کرد: حق الله و حق الناس فقها و حقوقدانان مسلمان، حق الله را با تعابیر گوناگون تعریف کرده اند. برخی از آنها حق الله را در برابر حق الناس و به معنای حقوق عمومی تعبیر کرده اند حق الله به معنای چیزی است که معادل حق جامعه است و جرایمی است که مرتبط با طهارت و پاکیزگی اجتماع باشد. این فضیلتی است که از دین برخاسته که اجتماع را از نابودی حمایت می کند (ابوزهره، ص ۱۱) براساس تعریف مذکور برای ، حد در یک تقسیم بندی حدود را به دو قسم میتوان تقسیم کرد: . حق الله - حق الناس فقها و حقوقدانان مسلمان حق الله را با تعابیر گوناگون تعریف کرده اند. برخی از آنها حق الله را در برابر حق الناس و به معنای حقوق عمومی تعبیر کرده اند و می گویند «حق الله به معنای چیزی است که معادل حق جامعه است و به تعبیر دیگر حق الله نسبت به مجازات و جرایمی است که مرتبط با طهارت و پاکیزگی می باشد و این فضیلتی است که از دین برخاسته که اجتماع را از اضمحلال و نابودی حمایت می کند. و برخی نیز حدود و مجازاتهایی که در راستای مصالح عمومی و دفع فساد از جامعه و جلب منافع آن هستند حق الله نامیده اند عدهای گفته اند: حقی که قانونگذار اسلام در رابطه با کل جامعه اسلامی و امت اسلام قانونگذاری حق الله نامیده است، (فیض، ۹۳۱ش، ص ۱۸) حقوقی که یک طرف آن خداوند تعالی و طرف دیگر آن افراد جامعه یا گروهی پرداخت زکات که واجب از افراد باشند. حق الله است. حق الله در فقه اسلام مانند حقوق عمومی در قانونگذاری جدید ایران است. این اصطلاح در مقابل حق الناس استفاده می شود (جعفری لنگرودی، ۹۳۸ش، ص ۱۱۳) حقوقی که برای افراد یا اجتماعات شناخته شده است را حق الناس گویند که در مقابل، حقوق الله استعمال می شود جرایمی جنبه شخص که منحصر دارند و فرد یا افراد معین از آن متضرر می گردند و یا امثال آن، مربوط به حق الناس است (ولیدی، ۹۳۸ش، ص ۱۱)

#### ۴-۱-۱ - توبه سارق از سرقت

سرقت یکی از حدود است که در معانی دقیق آن در قرآن بیان شده است سرقت در اصطلاح حقوقی عبارت است از ربودن مال و اشیاء منقول بدون رضای او بر خلاف حق و در اصطلاح دیگر آن را سرقت ساده و سرقت عادی گویند. تقلب و اختفاء از ربودن دانسته می شود و مفهوم عرفی سرقت این دو امر را اقتضاء می کند (جعفری لنگرودی، ، ص ۳۳۱) توبه کاری است که قرآن کریم در جرم سرقت مانند سایر جرایم آن را پاس داشته است. والسارق السارقه، فاقطعوا ایدیهما جزاء بما کسب من الله... فمن من بعد ظلم، و اصلح فإن الله یتوب الله... (مائده، - ۳۸ ۳۱) دست مرد و زن سارق را به کیفر عملشان قطع کنید، این عقوبتی است که بر آنان مقرر شده و خداوند شکست

ناپذیر و حکیم است، پس هر کسی بعد از ستمی که انجام داده توبه کرده و عمل خود را اصلاح نماید، خداوند او را خواهد بخشید. قطع دست سارق، مجازاتی از جانب خداوند متعال است تا این که شخص عقوبت شده و از گناه خود باز گردد. چنانچه سارق بعد از سرقت، توبه کند و خود را اصلاح نماید، خداوند متعال توبه اش را می پذیرد و او را مشمول حکمت خویش قرار می دهد (طباطبایی، ص ۳۳۳) مراد از اصلاح در این آیه این است که مال مسروقه شده را شخص سارق به مالک مال شاکی اصلی آن بازگرداند (فیض کاشانی، ص ۱۹) در این جا بحث از مراحل توبه سارق می باشد، گاهی اوقات توبه سارق قبل از اثبات سرقت می باشد، و یا بعد از اثبات جرم و یا بعد از اقرار توبه می کند.

#### ۴-۱-۱- توبه سارق قبل از اثبات سرقت

فقهای امامیه معتقدند که توبه سارق قبل از اثبات، حد است و دلیل آن نیز روایت عبدالله ابن سنان از امام صادق نقل می کند ابن سنان و جمیل که حضرت فرمود: سارق اگر خود بیاید و در پیشگاه خدا توبه نماید و مال مسروقه را به صاحب آن برگردان مجازات قطع ید بر وی جاری نمی شود (حر عاملی، ص ۳۳۷) مرحوم شیخ طوسی نیز مانند سایر فقها شرط پذیرش عفو و توبه سارق را قبل از قیام گواهان بینه می داند ولو توبه کند و سپس شهود شهادت دهند باز هم او بخشیده که بدو می شود ولی مال بر او واجب باشد (طوسی، ۹۱۷ق، ص ۳۹۱) همچنین، در صورتی که شخص سارق اقرار به سرقت داشته باشد و بعد از اقرار توبه کند امام مخیر است بین عفو وی و یا اجرای حد، ولی از طرف مال مطلقاً در عین حال رد سارق به مالک مال واجب است در مورد شخص سارق کفن توبه وی قبل از اقامه بینه را جایز دانسته است جمیل ابن دری از امام باقر (ع) نقل کرده که فرمودند: شخصی مرتکب سرقت می شود یا شراب می خورد و یا زنا کرده است ولی این جرایم ثابت نمی شود و او دستگیر نمی گردد. تا این که توبه می کند و شخص صالحی می شود، حکم او چیست؟ امام در پاسخ می فرماید: هرگاه عمل صالحی انجام دهد و کار شایسته ای از او سر بزند، حد بر او جاری نمی شود (حرعاملی ص ۳۱۸) اگر سارق در زمان توبه ( بعد از سرقت توبه کند و به سوی قطع خداوند بیاید و مال مسروقه را به صاحبش برگرداند، حد بر او جاری نمی شود (خویی، ص ۳۷۱) بالتوبه قبل ثبوته... و یسقط الحد « مرحوم اردبیلی نیز نظر خودش را مانند نظر اکثر فقها مبنی بر پذیرش توبه سارق قبل از اثبات جرم می داند که در این خصوص مخالفی وجود ندارد ( موسوی اردبیلی، ص ۳۳۱) گروهی مال مسروقه، قبل از دستگیری سارق را عامل تحقق توبه دانسته و اجرای حد را منتفی می دانند با این استدلال که حاکم نمی تواند تا زمانی که مال مسروقه را کرده در نزد سارق نیافته است، اجرا کند، و اگر سارق قبل از طرح دعوا نزد حاکم مال را رد نماید، سرقت دیگر ثابت نمی شود، زیرا مالی در نزد سارق نیست.

## ۴-۱-۱-۲- توبه سارق بعد از قیام بنیه و اقرار

اما اگر سارق بعد از شهادت شهود توبه کند باید حد بر او جاری گردد و این مسأله ظاهراً مخالفی ندارد. اما اگر توبه سرقت کننده بعد از اقرار جرم باشد، مشهور فقها به حکم در عفو و اجرای حد، لکن برخی از فقها به اجرای حد هستند؛ زیرا اگر حاکم عفو نماید باعث به تعطیل کشاندن حدود الهی می شود (نجفی، ص ۳۱۷) صاحب کتاب معالم الدین فی فقه آل یاسین آورده است: در واقع توبه سارق را قبل از اثبات حد از مصادیق سقوط حدی مالی را منتفی ندانسته ولی در صورت اثبات سرقت با گواهی گواهان و یا اقرار، که در مورد اول سقوط حد را جایز ولی در مورد دوم، از اقرار ثابت شده باشد سقوط حد را نفی می کند (حلی، ص ۳۹۱) بعضی از فقها توبه سارق را بعد از شهادت شهود، نپذیرفته اند و اجرای حدی را بر سارق الزم می دانند، اما نسبت به اقرار سارق دو نظر را مطرح کرده اند البته هر دو نظر ضعیف می باشد.... گروهی از فقها بر این باورند که توبه نمی تواند مطلقاً سرقت را ساقط حد کند و آنها در واقع به حدیثی از پیامبر (ص) استناد کرده اند که میفرماید: « ارق اذا سرق و السّان اُتاب سبقته یده الی إلهدی الجنه وان لم یتب سبقته ی النار». این حدیث دلالت بر قبول توبه بعد از اجرای حد دارد (امینی و طاهری، ص ۳۳) استدلال به اجرای حکم شهادت شهود الف: اصل بر این است که هر گاه شهود در نزد امام حاضر شوند و شهادت دهند و برای امام موضوع سرقت اثبات شود برای امام واجب است حکم را اجرا کند و در حدود تأخیر جایز نمی باشد. و اصل اصولی استصحاب در این جا حاکم می باشد ب: اطلاق و عموم ادله که دلالت بر لزوم اجرای حکم حد دارند و دلیلی بر سقوط مجازات به واسطه توبه بعد از شهادت نمی باشد ج: مرسله ابی عبدالله البرقی عن بعضی الصادقین که حکایت دارد، مردی نزد حضرت امیرالمؤمنین (ع) حاضر شد و نسبت به سرقت اقرار کرد حضرت از او پرسید آیا از قرآن چیزی می دانید؟ گفت بله سوره بقره را می خوانم... سپس اشعث گفت: آیا حدود الهی را تعطیل می کنید. حضرت به اشعث پاسخ داد: هرگاه که در نزد حاکم (امام) شاهد شهادت داد برای سارق توبه پذیرفته نمی شود. ولی اگر اقرار کرد و سپس توبه نمود این جا امام بین عفو و قطع مخیر است (موسوی اردبیلی، ص ۳۳۸) سرقت با شهادت دو نفر عادل و یا اقرار دوبار در نزد حاکم پذیرفته می شود و شهادت زنان چه به صورت جمعی و چه به صورت مفرد قبول نیست و قطع و اجرای حد با صرف یک بار اقرار ثابت نمی شود. و اقرار شخص غافل و بیهوش صحیح نمی باشد پیش از اثبات در زمره حق الناس است چنان که در قانون مجازات اسلامی از جمله شرایط اجرای سرقت را این می داند که صاحب مال از سارق نزد مرجع قضایی شکایت کند و نیز صاحب مال سارق را نبخشد. مجازات سرقت حدی با وجود حق الناس بودن در مرحله پیش از اثبات جرم، با توجه مجرم در این مرحله با توجه به قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ ساقط می شود؟ در پاسخ شاید بتوان گفت: این استثناء را مستند به روایات خاص از جمله روایت عبدالله بن سنان دانست که از امام صادق ع نقل

میکند: إلی السارق اذا جاء من قبل نفسه تائباً ی علی سرقتہ الله وردی صاحبها فال قطع علیه (حاجی آبادی، ۹۳۱۱ ش، ص ۹۳۱) مشهور فقها معتقدند که توبه با بینه باعث سقوط حدی اجرا شود بلکه باید حد شود. ادله آنها له حدود، چنین است اما با اقرار همه فقها قبول دارند که اگر کسی به ارتکاب حدی اقرار نماید، امام اختیار دارد که او را عفو کند و یا حد بر او جاری سازد. البته از این جمع، مشهور فقها عفو را برای امام در صورتی روا می دانند که اقرار کننده پس از اقرار توبه نماید. (هاشمی شاهرودی، ش ۹۳، ص ۹۸۳)

#### ۴-۲- نقش توبه در تعزیرات

##### ۴-۲-۱- تعزیر در لغت و اصطلاح فقهی و قانون مجازات

همان طوری تعریف تعزیر بیان شد، تعزیر از جمله واژه های است در دو معنای متضاد تأدیب و تعظیم به کار می رود. ولی در اصطلاح تعاریف مختلفی از آن شده است گاهی در وصف جرم از آن استفاده شده و گاهی به عنوان وصف مجازات به کار رفته. چنانچه صاحب کتاب الکافی می گوید: « تعزیر در واقع تادیب می باشد جهت منع شخص متهم و باز داشتن آن شخص از چیزی که باعث اخلال و انجام عمل قبیح باشد (حلبی، ۹۱۷ ق، ص ۱۹۱) و صاحب ریاض گفته است مقدار آن معین نیست تعزیر دو مجازاتی که شرعا است اما قانون مجازات اسلامی تعزیر را به شرح زیر تعریف می کند تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد یا قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی، تعیین و اعمال می شود. نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف و تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می شود تشخیص و تعیین جنس و میزان واکنش تعزیری مناسب که اصول ترین و مؤثرترین تدبیر در اصطلاح و منع بزهکار است، فرآیند پیچیده ای است که از ظرائف امور دادرسی بوده و به موجب آن قاضی باید معیارهای متنوع را به گونهای مورد توجه قرار داده که تعزیر برآیندی متوازن از رعایت مالکهای مذکور باشد (صادقی، ش ۹۳۱، ص ۹۱۹) علاوه بر نوع و شدت و ضعف جرم ارتكاری، ویژگیهای شخصیتی بزهکار از قبیل سن، جنس، قوت بدنی، وضعیت روانی، موقعیت اجتماعی و سوابق رفتاری ضرورت ترمیم صدمات وارد بر بزه دیده در حقوق الناس و نیز لحاظ مصالح اجتماعی از جمله ملاک هایی است که دادرس مکلف است با توجه به اجتهاد کارآمدترین واکنش به منظور تأدیب و تربیت متخلف و مجرم بپردازد. پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی توبه به صورت یک قاعده در مجازاتهای تعزیری، موجب سقوط مجازات نمی شود، بلکه از یک سو بر اساس قانون تعزیرات مرتکبین جرایم همکاری با دول متخاصم جمهوری اسلامی ارتکاب جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع فصل اول قانون مجازات اسلامی وانمود و تحریک مردم به جنگ و کشتار



با یکدیگر به قصد بر هم زدن امنیت کشور در صورتی که قبل از دستیابی نظام توبه کنند، از شمول مواد مربوط خارج خواهند بود. اما در قانون مجازات اسلامی توبه در مجازاتهای تعزیری به صورت قاعده‌های کلی مطرح گردیده و اثر توبه در هر یک از جرایم به تفکیک درجه مجازاتها ذکر گردیده است این اقدام مقنن در راستای پیروی از قاعده کلی حاکم بر تعزیرات مبنی بر اختیار امام در عفو یا تخفیف یا میزان مجازات مرتکب است (حاجی ده آبادی، ۱۳۱۱ش، ص ۱۷-۹۱) توبه در جرایم تعزیری تنها در تعزیرات ۱ الی ۸ یعنی حبس تا دو سال قابل پذیرش بوده و مسقط مجازات است، یعنی توبه را در کل مجازات نمی دانند. به عبارت دیگر چنان چه مجازات از دو سال حبس تعزیری بیشتر شود توبه آن را ساقط نمی کند ولی در زنا و لواط به عفو مستوجب حد اعدام، توبه حد را ساقط کرده و سبب تبدیل اعدام به حداکثر تا دو سال حبس تعزیری می شود به نظر می رسد که دلیلی بر منحصر نمودن توبه به جرایم حدی نیست و در تمامی جرایم حدود و تعزیرات به جزء حق الناس، میتوان توبه مجرم را پذیرفت و به آن ترتیب اثر داد. در این زمینه می توان به آیه ۱۳ سوره ی شورا استناد نمود. هوالذی یقبل التوبه عن عباده و یغفون السیئات و... پیداست که توبه در جرایم تعزیری تأثیری دو گانه دارد: در برخی از جرایم تعزیری به عنوان یکی از معاذیر معافیت مجازات، تأثیرگذار است و در برخی دیگر می تواند تنها یک عذر مخفف محسوب گردد. در جرایم تعزیری که مجازات آنها کمتر است یعنی جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت، پس از توبه مرتکب، در صورتی که ندامت و اصلاح وی برای قاضی محرز گردد سقوط مجازات الزامی است. در سایر جرایم تعزیری یعنی جرایم تعزیری درجه یک تا پنج، با توبه مرتکب و احراز ندامت و اصلاح وی، قاضی تنها می تواند مجازات وی را تخفیف دهد (صابر رفیع زاده، ص ۱۱) براساس آن چه قانونگذار در قانون و تبصره دو ذیل آن آورده است جرایم تعزیری از جهت تأثیری که توبه بزهکار بر آنها دارد به سه گروه تقسیم شده است: الف. جرائمی که مجازات آنها در قوانین مختلف تا دو سال حبس پیشبینی شده و در زمره تعزیرات درجه شش، هفت، و هشت محسوب میشوند. ب. جرائم تعزیری که در قوانین موضوعه برای آنها مجازات بیش از دو سال حبس مقرر شده و شامل تعزیرات درجه یک، دو، سه، چهار و پنج مذکور در قانون مجازات اسلامی است جرایم تعزیری که نوع و میزان مجازات آنها در شرع مقرر شده و به عنوان تعزیرات منصوص شناخته می شوند قانون مجازات تأثیر توبه در هر یک از جرایم مذکور را متفاوت دانسته است، قانونگذار در جرایم با مجازات حبس دو سال و کمتر از آن و نیز در تعزیرات منصوص هر چند مجازات آنها بیش از دو سال حبس و یا به منزله آن باشد توبه را موجب سقوط کیفر دانسته است لکن در جرایم تعزیری شدیدتری که حداقل مجازات قانونی آنها بیش از دو سال و حداکثر بیست و پنج سال حبس است، توبه را فاقد تأثیر در اسقاط تقریر شمرده است (صادقی، ش ۹۳۱، ص ۹۱۳) در جرایم تعزیری، بر خلاف حدود قانونگذار محدود زمان خاصی برای اظهار توبه تعیین نکرده است، بلکه درجه اهمیت جرم تعزیری

در تعیین آثار توبه دخالت دارد. البته در تعزیرات حذف یا تخفیف مجازات قسم دو استثناء دارد یکی در جرایم تعزیری مشمول تکرار جرم و دیگری در جرایم منصوص شرعی (خالقی، ش ۹۳۱، ص ۹۹۳) پذیرش توبه در جرایم تعزیری به صورت مطلق قابل انتقاد است. زیرا در جرایمی که دارای جنبه حق اساسی محض هستند مانند اهانت به اشخاص، جنبه کیفری ترک انفاق، تخریب اموال، افتراء و... نباید وفق موازین فقهی و اصول حقوق کیفری توبه مسقط مجازات گردد. همچنان که در قصاص، قذف، دیات به توبه مسقط مجازات نیست، لذا، با امعان نظر به فلسفه وضع ماده فوق در قانون و همچنین اصل حاکم بر جرایم قابل گذشت که علی القاعده شروع، ادامه و رسیدگی و اجرای مجازات در اختیار شاکی می باشد نباید قسمت اخیر این ماده مبنی بر تخفیف مجازات شامل حال جرایم قابل گذشت شود. با توجه به این که در جرایم حدی، نوع و میزان و کیفیت مجازات در شرع مقدس منصوص است و در آنجا بر اساس قانون مجازات اسلامی، توبه مرتکب قابل پذیرش بوده و موجب سقوط مجازات می شود. در تعزیرات منصوص شرعی که مجازات هایی خفیف تر از مجازات های حدی تلقی می شوند و حاکم شرع براساس قاعده (التعزیر بما یراه الحاکم، استعغیر بما یراه، الحاکم) می تواند هر گونه تصرفی در آنها بنماید به طریق اولی باید به سقوط مجازات در آنها نظر داد، لذا با تنقیح مناط و الغای خصوصیت نسبی به تفسیر قانون به نفع متهم در موارد تعزیرات باید قابل به پذیرش توبه مرتکب گردید و در این خصوص نص میان تعزیرات منصوص و غیر منصوص شرعی تفاوتی وجود ندارد (شمس ناتری، ش ۳۱۳، ص ۱۲۸) سقوط مجازات به وسیله ی توبه، تأسیس حقوقی جدیدی است که با رعایت شرایط مقررات ماده قانونی مزبور می تواند از موجبات سقوط مجازات یا تخفیف نباشد. این نهاد حقوقی در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح نیز پیشینه ندارد بنابراین نسبت به جرایم مندرج در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و در خصوص نظامیان قابل اعمال است. و این ماده اطلاق دارد و شامل جرایم قابل گذشت هم می شود، گرچه ممکن است در موارد زیادی مورد سوء استفاده قرار گیرد (مصدق، ۹۳۱۱ ش، ص ۱۳۱) در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت. اگر مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود. مجازات ساقط می شود. با توجه به این که مقنن در سخنی از قبل از اثبات جرم یا پس از اثبات جرم، به میان نیاورده است، به نظر می رسد در صورت احراز توبه مرتکب، آنچه قبل از اثبات جرم و چه پس از آن باشد و چه جرم با اقرار ثابت شده باشد و چه با سایر ادله اثبات، مجازات ساقط می شود. در سایر جرایم تعزیری، دادگاه مخیر در اعمال مقررات راجع به تخفیف مجازات است قاعده مشهور در فقه مطرح است که در مرحله کیفرگذاری در قلمرو تعزیرات بسیار تأثیرگذار بوده و عبارت است از: (الحاکم التعزیر بما یراه) یعنی میزان تعزیر بنا بر صالحیت حاکم تعیین می گردد. در این که منظور از حاکم در این قاعده چه کسی است دو نظریه مطرح است: مراد از حاکم، قاضی صادرکننده حکم می باشد. لذا سیستم قضایی اسلامی براساس

فردی کردن مجازات ها شکل گرفته و از اصل قانونی بودن تبعیت نداشته و قاضی با توجه به وضعیت مرتکب جرم اقدام به تعیین مجازات می نماید به معنای منظور از حاکم، امام و حاکم اسلامی است بنابراین تنها حکومت اسلامی می تواند قلمرو تعزیر را تعیین نموده و قضات مأذون در قلمرو تعیین شده اقدام به صدور حکم می نمایند. این قاعده، در ناظر به مرحله تعیین مجازات است یعنی میزان تعزیر باید براساس صلاحدید قاضی تعیین گردد (برهانی و الهام، ش ۹۱۱، ص ۱۱)

#### ۴-۲-۲- تفاوت تعزیر و مجازاتهای بازدارنده

جرایم مستوجب مجازات باز دارنده در حکومت اسلامی در حدود اختیارات آن در حوادث و وقایع پیش آمده تعیین می گردند، ولی جرایم تعزیری پیشتر از طرف شارع اسلامی پیش بینی شده اند و در اکثر موارد اعمال حرام شرع موضوع تعزیرات، است ولی موضوع مجازاتهای بازدارنده، اعمالی است که حرمت شرعی اولی ندارند، لیکن به تشخیص حکومت جرم تلقی شده اند، مانند ربا، رشوه، تقبیل، اعمال حرام شرعی هستند بر عکس رانندگی بدون گواهینامه. هدف از جرم انگاری جرایم مستوجب مجازاتهای بازدارنده حفظ نظم و مصلحت اجتماع است ولی حفظ نظم و مصلحت هدف از تعزیرات، الزاما اجتماع نیست مانند تعزیر در جرم رشوه و کلاهبرداری است (جمعی از نویسندگان، ۹۳۸۳ش، ص ۳۱۱) گروهی از فقها بین تعزیر و تأدیب تفاوت قایل شده اند و تعزیر را شامل مکلف و غیر مکلف، و تأدیب را تنها شامل غیر مکلف می دانند (شهید ثانی، ش ۸۳، ص ۹۱۹) در مقدار تعزیر نیز بین فقها اختلاف نظر وجود دارد، غالب حنفیان حداکثر تعزیر را ۳۱ ضربه شلاق می دانند بعضی مقدار آن را از ۹۷ تا ۱۷ ضربه و گروهی ۳ تا ۱۱ ضربه ذکر کرده اند (مجلسی، ص ۳۱) مرحوم مجلسی نیز به تفاوتهای میان حد و تعزیر پرداخته و آنها را در پنج تفاوت بیان کرده است: . معین نبودن اندازه تعزیر در شرع - مساوی بودن آزاد و بنده در تعزیر، - فرق تعزیری در بزرگی و کوچکی گناه، - امکان تعلق تعزیر غیر مکلف مانند کودک مجنون - ساقط شدن تعزیر به توبه بر خالف حد همان

#### ۴-۲-۳- نظرات مختلف فقها در نقش توبه در تعزیرات

در حقیقت اثر اصلی توبه از نظر فقهی سقوط مجازات می باشد. این اثر مربوط به توبه قبل از اثبات جرم است که مورد قبول اجماع فقهای امامیه است، چنانکه صاحب کشف المراد، ادعای اجماع بر سقوط عقاب نموده است الناس اتفقوا علی سقوط العقاب بالتوبه (حلی، ص ۱) که نظر علامه حلی در واقع مطلق است یعنی توبه چه در حدود و چه در تعزیرات موجب سقوط مجازات می باشد. بعضی از فقهای شافعی و پیروان احمد حنبل عقیده دارند حد و یا تعزیر موجب سقوط مجازات است. زیرا قرآن کریم توبه محارب که توبه مطلقا را قبل از دستگیری، مسقط مجازات دانسته است، با این که

جرم محاربه جرم سنگینی است بنابراین، نسبت به جرم اخف غیر محاربه به طریق اولی توبه قبل از دستیگری موجب سقوط مجازات می شود فقها اجماعی محترم چندان متعرض موضوع تأثیر توبه در سقوط مجازاتهای تعزیری نشده اند، اما از طرفی دستهای از فقها بدون ذکر هیچ مستندی یا بنا بر قیاس اولویت مقررات حاکم بر توبه در سقوط مجازاتهای حدی را در مجازاتهای تعزیری نیز حاکم دانسته اند (حاجی آبادی، ۹۳۱۱ش، ص ۱۷) ولی از تأمل و دقت در سخنان فقهای شیعه راجع به نقش توبه در تعزیرات با توجه به اختلاف نظری که بین فقها حاکم است سه نظر ابراز شده است

### نظریه اول، یکسانی حدود و تعزیرات

بر پایه این نظریه، تعزیرات مانند حدود اند و همان مباحثی که در حدود شد این جاری است یعنی اگر قبل از اثبات جرم در دادگاه توبه کند تعزیر از وی ساقط است اگر پس از آن توبه کند از طریق بینه تعزیر بر او جاری می شود و اگر اقرار مستند حکم باشد قاضی است. (شهادت اول، ص ۱۱۸) که در دو کلام فقیه بزرگوار توبه مسقط مجازات می باشد اعم از این که مجازات حدی باشد و یا تعزیری

### نظریه دوم، عدم تأثیر توبه در سقوط تعزیر

برخی از فقهای اسلامی بر این گرایش هستند که اصل جاری کردن تعزیر و اندازه، نوع، کیفیت و عفو آن به اختیار حاکم است حاکم با در نظر گرفتن مصلحت می تواند کسی را که گناهی کرده است و یا واجبی را ترک نموده و مستحق تعزیر شده است، عفو یا تعزیر کند. چه توبه کرده باشد و چه توبه نکرده باشد لذا توبه در واقع هیچ تأثیری در سقوط تعزیر ندارد و آن چه همه نقش و تأثیر را دارد، نظر حاکم است (منتظری، ۹۱۷ق، ص ۱۱)

### نظریه سوم، سقوط مطلق تعزیرات

توبه، نظر به آن چیزی که در اعمال تعزیر مراد و هدف می باشد پذیرش توبه در سقوط این نوع مجازات تعزیر اولی از قبول تأثیر توبه در حدود است زیرا هرگاه اقدام اختیاری بزهکار در نوسازگاری خویش احراز شود، تحمیل هر نوع عکس العمل بر مرتکب در پی توبه وی موجه نخواهد بود زیرا تعزیر در واقع با هدف تربیت و منع بزهکار همراه می باشد. و به مجرد ظهور توبه نتیجه و مقصود حاصل می شود (طیسی، ص ۱۹۱) توبه تعزیر را به طور مطلق ساقط می کند. چه قبل از شهادت شهود و چه بعد از اقرار و با تعزیر این است یا بعد از شهادت شهود باشد. فرق دیگر حد توبه به طور مطلق تعزیر را ساقط می کند و در مورد حد این طور نیست، زیرا سقوط حد با توبه در همه حدود مورد اتفاق نمی را ساقط م باشد افزون بر این که توبه پیش از حضور بینه حدی کند، نه

بعد از آن (شهید اول، ص ۹۱۱) و جوب عقلی توبه یکی از مسائلی می باشد که متکلمین به آن پرداخته اند و براساس آن هر کس حسن و قبح عقلی را بپذیرد باید توبه را، به حکم عقل واجب بداند و بنابراین، ادله نقلی که در این باره وجود دارد ارشاد به حکم عقل خواهد بود. و حکم عقل استثناء بردار نمی باشد (فضایلی، ۹۳۱۱ ش، ص ۹۳) هر چند که بر این سه نظریه انتقادات و پاسخ هایی حاکم است لکن در این کار تحقیقی به لحاظ عدم اطاله تحقیق ذکر آن مطالب الزم نمی باشد.

#### ۴-۲-۴- نظرات دیگر فقها و حقوقدانان

به علاوه، اعمال تعزیر پس از ساقط شدن حد را می توان از باب مصلحت دانست ( الهام و برهانی، ۹۳۱۳ ش، ج ۱، ص ۱۳۱) ممکن است گفته شود چنین تعزیری جایز نیست، زیرا در روایات آمده بود که امام می تواند از حدی که از حقوق خداوند باشد عفو کند. بنابراین یا بزهکار شایسته بخشیدن است که او را می بخشد و یا شایسته بخشیدن نیست که حد بر او جاری می شود، ولی تغییر دادن کیفر و تخفیف آن از حد به تعزیر یا از تازیانه به زندان یا جزای نقدی و مانند آن دلیلی بر جایز بودنش نداریم. و اصل هم حرام بودن کاهش کیفر بزهکار، بدون دلیل است. و می توان گفت: از نگاه عرف و عقال میتوان از دلیل جایز بودن بخشش اصل حد برای حاکم دریافت که بخشیدن قسمتی از حد یا کاهش آن و تبدیل به کیفری کمتر، به طریق اولی جایز است (هاشمی شاهرودی، ص ۹۱۱)

#### ۴-۳- امکان تعزیر پس از سقوط حد

تاکنون بحث در این بود که در صورت توبه مجرم در حدود و یا تعزیرات امکان دارد که توبه مجرم قبول شود و مرتکب از اجرای حد مجازات معاف گردد حال بحث این است که آیا به طور کلی پرونده کیفری شخص بزهکار باید مختومه اعلام شود؟ پس جنبه عمومی بزه را چه پاسخ باید داد؟ در این مقاله نظرات فقها و حقوقدانان بررسی می شود پس از پذیرش این که حاکم حق بخشیدن بزهکار را یا در مورد اقرار و یا در موارد نبود بینه نیز داراست، سخن را در این مطالب ادامه می دهیم که آیا میتوان در کیفرها تخفیف و کاهش داد یا نه؟ برای مثال به جای این که در حد شرب خمر و شخص توبه کرد و از همه کیفر دست بکشد، نیمی از آن را ببخشد و به چهل ضربه بسنده کند و یا آن را تبدیل به کیفری تعلیقی کرده و مشروط به ارتکاب جرمی دیگر نشود و یا مانند این گونه تخفیفها در حق او روا دارد (همان، ص ۹۱۸)

#### ۴-۴- قاعده التعزیر لکل حرام

مراد از این قاعده که در واقع معادل قاعده، قابل تعزیر بودن ارتکاب هر عمل حرام می باشد آن است که ارتکاب هر عمل حرامی که در شرع مقدس برای آن مجازات حدی پیش بین نشده، قابل تعزیر است به سخن دیگر، مرتکب هر فعل حرام غیر حدی، قابل تعزیر می باشد (حاجی ده آبادی، ش ۸۳۱، ص ۱۱۷)

#### ۴-۵- عنوان بحث در قانون موضوعه

براساس قانون مجازات اسلامی در زنا و لواط هرگاه جرم به عنف، اکراه و یا با اغفال بزه دیده انجام شود، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو آنها محکوم میشود «در قانون مجازات سابقه نداشته و با توبه مجرم پس از اثبات حدود به وسیله حدود به وسیله اقرار و با اختیار عفو از سوی امام و یا توبه پیش از اثبات حدود به وسیله شهود، حد شرعی ساقط می شود بدون این که مجازات دیگری اعمال شود نکات مربوط به زنا یا به عنف: به معنای آن است که فردی به عمل زنا راضی نباشد و طرف مقابل با زور و اجبار و ارباب و تهدید با او مبادرت به زنا نماید و مجازات تعزیری مذکور، از مجازاتهای اختیاری است به طوری که دادگاه می تواند یکی از مجازاتهای حبس یا شلاق تعزیری یا یکی از آنها را حکم کند. عدهای از علمای حقوق چنین مجازاتی را، مجازات اصلی متعدد انتخابی می نامند (بخشی زاده، ص ۱۳) در اتهام جرم زنا یا لواط اکراهی یا به عنف و اغفال، مرتکب با توبه می تواند با جمیع شرایط از مجازات حد رهایی یابد ولی اعمال مجازات تعزیری درجه شش حسب مورد حسب یا شلاق یا هردوی این مجازاتها باید در حق وی اعمال شود. برخلاف جرم ساقط زنا یا لواط غیر اکراهی یا بدون عنف و اغفال که با توبه حد و مجازات تعزیری کامل می شوند (گلریز، ش ۳۱۲، ص ۹۳۱) در هیچ یک از موارد سقوط حد با توبه، مجازات تعزیری جایگزین نمی شود، قانون مجازات اسلامی که پس از سقوط حد، به خاطر اکراه، عنف و اغفال، مجازات تعزیری جایگزین میگردد (مصدق، ۹۳۱۱ش، ص ۱۳۱) براساس استفتایی که در از سوی ریاست وقت قوه قضائیه از مقام معظم رهبری صورت گرفت، تعزیر مجرمین در این فرض در جرایمی مانند لواط و زنا به دلیل جلوگیری از تجری مرتکب و نیز آثار سوء در جامعه جایز دانسته و در اقدامی قابل تأمل، میزان تعزیر نیز به پیشنهاد قضات واگذار شده بود. بخش نامه شماره: ۸۸۹۳/۸۷/۹-۹۳/۳/۸۷: «نظر به این که اختیار عفو محکومین به اجرای حدود الهی موضوع قانون مجازات اسلامی از طرف مقام معظم رهبری به ریاست قوه قضائیه تفویض گردیده است و نظر به این که عفو مطلق در لواط که مجنی علیه صغیر می محکومین به جرائم موضوع مواد مذکور، خصوصا باشد یا در زنا یا به عنف یا زنا

محسنه و یا در مورد محکومین سابقه دار هر چند که دادگاه توبه مرتکب را احراز نموده باشد ممکن است موجب تجری مرتکب و تبعات سوء در جامعه و یا عکس العمل نامناسب خانواده مجنی علیه را در پی داشته باشد.

## نتیجه گیری

توبه عمری همپای عمر انسان دارد زیرا سرآغاز آن از زمان آفرینش و زندگی حضرت آدم (ع) در زمین می باشد. بازگشتن از بیراهه و بازگشت از گناه، خودداری مجرم از ارتکاب و تکرار جرم و گناه می باشد. توبه یکی از موارد خاص اسلامی است که مورد پذیرش خاص و عام از مفسران، علمای علم اخلاق، متکلمان، محدثان، عارفان و صوفیان است. آنجا که هدف اصلی و رسالت انبیا، تربیت و پرورش انسانهای صالح و در نهایت رستگاری انسانهاست، یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که:

وبه پس از انقلاب اسلامی در قوانین کیفری ایران وارد شد در حالی که قانونگذار به عنوان عامل سقوط مجازات در قوانین کیفری پیش از انقلاب در نظر گرفته نشده بود. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند جمهوری اسلامی اولین بار قانون حدود و قصاص مصوب سال ۱۳۹۲ بر این موضوع پرداخت. و در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲ به مبحث توبه و جرم اختصاص پیدا کرده است.

از دیدگاه قرآن کریم و نظام حقوقی کیفری عرفی، از جمله اهداف مهم مجازاتها و تربیت مجرمان در نظام حقوق کیفری به منظور وصول به هدف اصلاح و تربیت مجرمان از ابزارهای مختلفی با رعایت تشریفات و مقررات خاص بهره برداری می شود. قرآن به عنوان منبع اصلی حقوق کیفری اسلامی، نهادی ویژه تحت عنوان توبه را جهت اصلاح و تربیت مجرمان با شرایط خاص مقرر کرده است. در حقوق کیفری در صورتی که از طریق ابزارهایی مانند تعلیق مجازات، تعویق صدور حکم، و توبه، قاضی بتواند اصلاح و تربیت مجرمین را با تعریف فرایند مشخص احراز کند، مجازات مقرر در قانون ساقط خواهد شد رویکرد جدید مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲ تحت عنوان توبه مجرم مبتنی بر همین آموزه کیفری است که توبه را با شرایطی در جرایم تعزیری نیز قبول نموده است. بدون شک و تردید اجرای این قانون در باب پذیرش توبه مجرم نقطه عطفی است که به نوبه خود می تواند موجب تحولی شگرف در فرایند دادرسی های کیفری شود. شایان ذکر است که تأثیر و نقش توبه تنها در مورد جنبه کیفری و مجازات آن می باشد و جنبه های دیگر دعوی از جمله مسائل مدنی مالی و حقوق مردم که باید در قالب جبران خسارت یا رد مال به متضرر از جرم رسیدگی و حل و فصل شود، از بین نمی رود و جنبه حق الناس را توبه ساقط نمی کند.

براساس نظر مشهور فقیهان امامیه، توبه در مجازاتهای حدی چه حقوق الله صرف و چه حقوق الناس در صورتی که شاکی خصوصی گذشت نماید تأثیر دارد و توبه محارب قبل از دستگیری قابل قبول و موجب سقوط حد و در قذف به لحاظ این که فقط با شکایت شاکی خصوصی شروع میشود، تأثیری ندارد و چنان چه محاربه با اقرار ثابت شود امام در عفو و یا اقامه مجازات مجرم مخیر می باشد.

اگرچه براساس قانون مجازات اسلامی تأثیر و نقش توبه فقط باعث معافیت مجرم از حیث جنبه کیفری بزه می باشد و نه جنبه حقوقی بزه انتسابی و جبران خسارات مالی؛ احراز توبه برای قاضی به علت عدم تعیین مالک مشخص، کار ساده ای نیست و در نتیجه در مرحله ی اجرا و عمل با مشکل مواجه می شود. تغییرات روحی و روانی، رفتار متواضعانه و پشیمان آن گونه که رویکرد اخلاقی، عرفانی و فقه اسلامی یادآور می شود می تواند اطمینان قاضی را در وصول به حقیقت توبه مجرم آسانتر نماید.

آسان ترین وسیله اصلاح و تربیت در مجازاتها برای برگشتن مجرم به دامن اجتماع، توبه است. خدای متعال عفو و اغماض تمام گناهان کوچک و بزرگ را غیر از شرک، از عاصیان و گناهکاران، وعده داده است و وعده خدا هم حق است و در آن تبدیل و تغییری نیست.

## منابع

۱. منابع قرآن کریم
۲. پسندیده، عباس، الگوی اسلامی، قم پژوهشگاه قرآن و حدیث
۳. ابن حمزه، الوسیله، مکتبه المرعشی، خیام، قم، ۹۱۷ق
۴. ابن فارس، احمد، مقایس اللغه، دارالحیاء لعربی، ۹۱۱ق.
۵. ابن منظور، ابوالفضل، لسان العرب، دارالفکر،
۶. ابوزهره، محمد، الجریمه، دارالفکر، بیتا
۷. اردبیلی، سید عبدالکریم، فقه الحدود و التعزیرات، دانشگاه مفید،
۸. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، نشر میزان، چاپ ۹۱، ۹۳۳ش
۹. امینی، جهاندار، طاهری، محمدعلی، « توبه و تأثیر آن بر حدود از دیدگاه فقه مقارن و قانون مجازات اسلامی، مجله حقوقی دادگستری، ۹۳۱ش
۱۰. برهانی، محسن، الهام، غلامحسین، درآمدی بر حقوق جزای عمومی، میزان، ج ۱، ۹۳۱ش
۱۱. بهنسی، احمد فتحی، الموسوعه الجنایی فی الفقه المقارن، دارالنهضة العربیه، ۹۱۹ق



۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، ۳۳۳ش
۱۳. همو، مبسوط ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، ۹۳۸۳ش
۱۴. جمعی از نویسندگان، مجموعه نظریات مشورتی فقهی در امور کیفری، نشر قضاء، ۳۸۳ش
۱۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة، دارالعلم، ۹۱۷ق .
۱۶. حاجی ده آبادی، احمد، تاملی بر مقررات توبه در قانون مجازات اسلامی، « پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۹۳۱۱ش
۱۷. حر عاملی، محمدبن حسن، وسایل الشیعه، موسسه آل البيت، ۹۱۱ق
۱۸. حلبی، ابوالصالح، الکافی فی الفقه، کتابخانه امام امیرالمومنین، ۹۱۷ق
۱۹. حلی، جعفر بن حسن، (عالمه حلی، شرایع اسلام فی مسائل الحلال و الحرام، الوفاء، ۹۱۹ق
۲۰. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، شهر دانش، ۹۳۱۱ش
۲۱. خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، مطبعه الداب النجف الشرف،
۲۲. سرخسی، محمد، المسبوط، مطبعه الستقامه، قاهره، بیتا
۲۳. داوریان، محمدعلی، توبه در سقوط مجازات، مطالعات اسلامی، شماره ۱۳، ۹۳۱ش
۲۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، دانشگاه تهران، ج ۱، ش ۹۲۱
۲۵. شمس ناتری، محمد ابراهیم، قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی حقوقی، میزان، ۹۳۱ش
۲۶. شهید اول ، المکی العاملی، محمد، القواعد و الفوائد، با تحقیق: الحکیم سید عبدالهادی، مکتبه المفیده، بیتا
۲۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، انتشارات حقوق اسلامی، 9383ش
۲۸. صادقی، محمدهادی، نقش توبه در حدود و تعزیرات، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱ش
۲۹. صابر، محمود، علی رفیع زاده، مقررات ماهوی و شکلی توبه در نظام قانون گذاری کیفری ایران، 9311ش
۳۰. صاحب بن عماد، کافی الکفاه، اسماعیل بن حماد، المحيط فی اللغة، بیروت، ج ۳، ۹۱ق
۳۱. عابدینی، احمد، احکام و حدود الهی در تفسیر سوره نور، بوستان کتاب، ۹۱۱ش
۳۲. عبدالهی، سامان و سپیده سفیدی، جایگاه توبه در قانون مجازات اسلامی، ۹۱ش
۳۳. علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، انتشارات بانک ملی، ج ۹، ۹۰
۳۴. طباطبایی، سیدعلی، ریاض المسائل فی بیان الحکام دلیل، نشراسلامی، قم، ج ۳، ۹۱ق